

# پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام وی وی کم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

تبلور نقش تربیتی حکومت اسلامی در

حکومت مطلوب امام خمینی (ره)

مریم صفری<sup>۱</sup>

## چکیده

دین مبین اسلام هدف خلقت انسان را رسیدن به کمال، رشد و تعالی عنوان می‌کند و در راستای تحقق این هدف، حکومت را به عنوان کارآمدترین ابزار معرفی می‌نماید. بنابراین، برترین نقش و هدف حکومت را تربیت و رشد انسان‌ها اعلام می‌دارد و تأمین اهداف دیگر مانند رفاه و آزادی و عدالت را نیز در راستای فراهم کردن بستر و زمینه تحقق این هدف عالی مطرح می‌سازد. امام خمینی (ره) اندیشمند سیاسی مسلمان اهداف اسلام را مبنای نظری اندیشه سیاسی خویش قرار داده و حکومت مطلوب خویش را در راستای محقق ساختن انسان-های کامل و متعالی مطرح و ساماندهی می‌نماید. ایشان شکل حکومت، رهبری، نهادها و مؤسسات مختلف را در جهت تحقق این هدف عالی و برای تحقق عینی انسان کامل طراحی می‌کند و اهداف و وظایف هر کدام را متناسب با نقشی که در تربیت انسان‌ها ایفا می‌نمایند، مورد توجه و تأکید قرار می‌دهد. در نظریه سیاسی و اجتماعی ایشان نهادهای مختلف مانند مدارس، دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه، رسانه‌های گروهی مانند تلویزیون، رادیو، سینما، تئاتر، مطبوعات و غیره، بازوان تربیتی حکومت و ابزار تحقق عینی هدف تربیتی حکومت محسوب می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** حکومت اسلامی، تربیت، امام خمینی (ره)، رسانه‌های گروهی

## مقدمه

دین مبین اسلام برنامه ای جامع برای زندگی انسان است که همه ابعاد وجودی انسان را مورد توجه قرار داده تا با تعالی هر بعد به تعالی و رشد کل وجود انسانی یاری برساند. این برنامه هر دو حوزه فردی و اجتماعی را دربر می‌گیرد و دستورات لازم برای اصلاح هر دو حوزه را شامل می‌شود. این برنامه در راستای تحقق اهداف عالی انسان و آفرینش است.

از دیدگاه اسلام آفرینش انسان هدفمند و برای رسیدن به غایتی است. اسلام این هدف و غایت را در بالاترین سطح، تکامل و تقرب انسان به خداوند تعریف می‌کند. تکامل انسان نتیجه رشد و تکامل همه ابعاد وجودی انسان است. بر این اساس تکامل حقیقی انسان شامل همه ابعاد از جمله تکامل مادی، تکامل صنعتی، تکامل

۱. کارشناس ارشد اندیشه سیاسی اسلام پژوهشکده امام خمینی (ره): Ghalamedu@gmail.com

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

اجتماعی و رفاه اقتصادی، تکامل معنوی و ... می شود نه مربوط به بعد خاصی از وجود انسان. ضرورت زندگی اجتماعی برای انسان از آن جهت است که اسباب رشد انسان را فراهم می کند و انسان را در مسیر نیل به هدف غایی خود قرار می دهد. حکومت که عالیترین و کامل ترین نهاد اجتماعی در سطح جامعه است، این هدف جامعه انسانی را در سطح عالی به دوش می کشد و وظیفه دارد تا تعالی همه ابعاد وجودی انسان را سرلوحه کار خویش قرار داده و در جهت تأمین آنها قدم بردارد. در قرآن کریم راه های مختلفی برای رسیدن به این اهداف بیان می کند؛ از جمله مهم ترین آن می توان به تعلیم و تربیت انسان ها و تزکیه نفوس آنها اشاره کرد. این تزکیه نفوس انسان ها سبب رشد و اعتلای انسان و رسیدن به تکامل برای قرب الهی است. قابل ذکر است که تأمین رفاه اقتصادی، امنیت، عدالت، آزادی و اهدافی از این قبیل برای بسترسازی و زمینه سازی رسیدن به هدف غایی ضرورت دارد و ضرورت حکومت در اسلام از آن جهت است که کارآمدترین ابزار برای تأمین اهداف عالی اسلام است.

امام خمینی به عنوان اندیشمند اسلامی و بنیانگذار نظام سیاسی جمهوری اسلامی براساس اهداف اسلام نظریه سیاسی خود را متناسب با شرایط زمانه ارائه می دهد و حکومتی را بنیان می نهد تا اعداف عالیه اسلام را در عالیترین سطح محقق نماید. لذا در این پژوهش به بررسی هدف تربیتی حکومت اسلامی و سایر اهداف آن به عنوان بسترسازی برای هدف اصلی، از منظر قرآن و سنت می پردازیم و سپس چگونگی عینیت یافتن آن در قالب حکومت مطلوب امام خمینی (ره) یعنی نظام جمهوری اسلامی را مورد بررسی و مطالعه قرار می دهیم.

### اهداف حکومت اسلامی

دین اسلام انسان را در دو بعد فردی و اجتماعی در نظر می گیرد و برنامه ای که برای ساختن افراد ارائه می دهد، هر دو بعد را دربرمی گیرد. به بیان شهید مطهری در برنامه ریزی اسلام برای ساختن انسان اصالت هم به فرد داده می شود و هم به اجتماع؛ از این جهت که هم هدف بودن خود فرد تأمین گردد و هم از آن جهت که فرد مقدمه ای برای جامعه است. (مطهری، ۱۳۶۷: ۱۵) بنابراین اسلام انسان را به صورت فردی اما در قالب اجتماع در نظر می گیرد و حکومت را به عنوان عالیترین نهاد اجتماعی ضروری می داند. در واقع حکومت الهی به سبب نقش مهمی که در نظم جامعه انسانی و جلوگیری از مظالم و ستم ها و فراهم ساختن شرایط تکامل انسان ها ایفا می نماید یکی از برترین نعمت های الهی به شمار می رود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۷: ۴۷)

در قرآن کریم برای بعثت پیامبران و همچنین برای انسان ها در کلیت عالم خلقت اهدافی بیان می گردد و راه تحقق این اهداف هم برپایی حکومت اعلام می شود؛ لذا حکومتی که بر مبنای اصول متعالی دین اسلام بوجود می آید؛ همان اهدافی را دنبال می کند که دین اسلام برای پیامبران و انسان ها تعریف می کند. در حقیقت دین اسلام حکومت را به عنوان موثرترین ابزار تحقق اهداف عالی خود معرفی می نماید. بنابراین هدف حکومت

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

اسلامی تحقق جامعه ای متعالی و متشکل از انسان های کمال یافته است که در این راستا تربیت انسان ها برترین هدف به شمار می رود و تأمین بسترها و زمینه های آن به عنوان اهداف میان مدت و مقطعی مطرح می گردند. مصداق سازی و عملیاتی کردن این اهداف در قرآن و سنت در محورهای مختلفی بیان شده است که مهم ترین آنها به اجمال مورد بررسی قرار می گیرد.

### فلاح و رستگاری

خداوند در آیات فراوانی هدف از تعایم اسلام و بعثت پیامبران را فلاح و رستگاری انسان ها عنوان می کند تا هدف آفرینش انسان ها را مشخص ساخته و چراغ راهنمای حرکت انسان ها را نشان آنها دهد. حکومت اسلامی نیز تمام سیاست های خود را طبق اهداف اسلام و برای سعادت و رستگاری انسان ها تنظیم میکند. خداوند در قرآن کریم در آیات فراوانی این هدف خود را به صراحت بیان می کند که از جمله آن می توان به آیه ۷۷ سوره حج اشاره کرد که خداوند می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَ اسْجُدُوا وَ اعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَ افْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» «ای کسانی که ایمان آورده اید ، رکوع و سجود کنید و پروردگارتان را بپرستید و کار خوب انجام دهید ، باشد که رستگار شوید .» همچنین در آیه ۱۰ سوره جمعه آمده است که: «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَ ابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ اذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» «و چون نماز گزارده شد ، در [ روی ] زمین پراکنده گردید و فضل خدا را جويا شوید و خدا را بسیار یاد کنید ، باشد که شما رستگار گردید .» خداوند همچنین هدف بعثت انبیاء و پیروی از آنها را رستگاری انسان عنوان می کند: «يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَ مَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا» «تا اعمال شما را به صلاح آورد و گناهانتان را بر شما ببخشد ، و هر کس خدا و پیامبرش را فرمان برد قطعاً به رستگاری بزرگی نایل آمده است .» (احزاب / ۷۱)

قرآن کریم در آیات بسیار دیگری ( ۲۴ توبه، ۱۰۴ آل عمران، ۸ اعراف، ۱۵۷ اعراف، ۸۸ توبه، ۱۰۲ مؤمنون، ۵۱ نور، ۳۸ روم و...) ویژگی رستگاران را بر می شمارد و هدف انسان را به صراحت فلاح و رستگاری عنوان می نماید. این هدف دین اسلام یعنی سعادت و رستگاری انسان ها در قرآن در قالب واژگان دیگری مانند خروج انسان ها از ظلمت به سوی نور نیز عنوان می شود و خروج انسان از ظلمت به سوی نور را به معنای سعادت یافتن و رستگار شدن انسان ها می داند. «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا أُولِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» «خداوند سرور کسانی است که ایمان آورده اند . آنان را از تاریکیها به سوی روشنایی به در می برد . و [ لی ] کسانی که کفر ورزیده اند ، سرورانشان [ همان عصیانگران ] طاغوتند ، که آنان را از روشنایی به سوی تاریکیها به در می برند . آنان اهل آتشند که خود ، در آن جاودانند .» (البقره / ۲۵۷)

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

این خروج از ظلمت به س.ی نور در قالب اهداف پیامبران نیز آمده است: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ» «و در حقیقت ، موسی را با آیات خود فرستادیم [ و به او فرمودیم ] که قوم خود را از تاریکیها به سوی روشنایی بیرون آور ، و روزهای خدا را به آنان یادآوری کن ، که قطعاً در این [ یادآوری ] ، برای هر شکیبایی سپاسگزاری عبرتهاست .» (ابراهیم / ۵). این امر در آیات دیگری چون آیه ۱۱ طلاق و ۱۶ مائده، ۵ ابراهیم و ۹ حدید مورد تأکید قرار گرفته است. این آیات شرط رستگاری و سعادت را پیروی از خداوند، پیامبران و جلب خشنودی خداوند می‌داند. در آیه ۲۵۷ سوره بقره خداوند خود را ولی کسانی قرار میدهد که ایمان آورده اند، تا آنها را از گمراهی به راه راست هدایت کند، همچنین خداوند می‌فرماید کسی که ولایت خویش را به غیر خداوند بسپارد به سوی گمراهی و شقاوت حرکت می‌کند . از واژه ولایت بسیاری از مفسران و اندیشمندان حکومت و ولایت سیاسی را نیز استخراج کرده اند؛ لذا براین اساس در این آیه شرط هدایت و رستگاری تحت حکومت الهی و دینی قرارگرفتن است. این شرط از سوی دیگر حکومت دینی و اسلامی را مسئول می‌داند که کسانی را که تحت ولایتش قرارگرفته اند را به سعادت و راه راست هدایت کند.

### ◀ هدایت انسان ها

هدایت در لغت به معنی ارشاد و راهنمایی از روی لطف و خیرخواهی است. (قرشی، ۱۳۵۲، ج ۷ : ۱۴۵) راغب اصفهانی درباره معنی هدی می گوید: «هدی در لغت به معنی دلالت و راهنمایی از روی لطف است». (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ : ۵۳۸) هدایت در اصلاح نیز به معنای، شناختن درست و صحیح هدف، انتخاب راه و طریق صحیح برای رسیدن به هدف و پایداری در مسیر است و هدایت در عام ترین معنای خود شامل همه مخلوقات خداوند می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۱ : ۲۹)

در آیات قرآن هدایت انسان ها به عنوان هدف بعثت پیامبران عنوان می‌شود؛ به گونه ای که آنان ابزار هدایت انسان ها به شمار می‌روند. «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِبَلِّغِ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلَّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» «و ما هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستادیم ، تا [ حقایق را ] برای آنان بیان کند . پس خدا هر که را بخواهد بی‌راه می‌گذارد و هر که را بخواهد هدایت می‌کند ، و اوست ارجمند حکیم .» (ابراهیم / ۴) همچنین در آیه دیگری آمده است که: «وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُونِ أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ» «و آن کس که ایمان آورده بود گفت : « ای قوم من ، مرا پیروی کنید تا شما را به راه درست هدایت کنم.» (غافر / ۳۸)

این هدف در آیات دیگری چون آیه ۳۶ نحل، ۵۲ اعراف و... مورد تأکید قرارگرفته است. این آیات همه بیانگر این حقیقت اند که هدف دین، بعثت پیامبران و نزول کتب الهی بویژه قرآن کریم هدایت ابناء بشر است؛ لذا

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی‌ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

حکومت دینی و اسلامی که ابزار اجرایی دین است نیز در جهت هدایت انسان‌ها بوجود آمده است. و تمام ارکان و وظایف حکومت در جهت نیل به این هدف است. اهمیت امر هدایت انسان‌ها تاحدی است که پیامبر اکرم(ص) خطاب به حضرت علی(ع) می‌فرماید: «اگر خداوند بوسیله تو یک نفر را هدایت کند برای تو بهتر است از دنیا و هر آنچه در آن است.» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۱۸۴) همچنین حضرت علی(ع) نیز در بیان اهمیت امر هدایت فرموده‌اند: «بدان بهترین بندگان در پیشگاه خدا امام عادل است که خود هدایت یافته و دیگران را نیز هدایت کند، پس سنت‌های معلوم را بپا داشته و بدعت‌های مجهول را بمیراند.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۸۹) همچنین در نهج البلاغه از زبان ایشان آمده است که: «[پیامبر اکرم] با خستگان مدارا کرد و شکسته‌حالات را زیر بال گرفت تا همه را به راه راست هدایت فرمود» (دشتی، ۱۳۸۷: ۱۳۶)

### تزکیه، تعلیم و تربیت

تزکیه یکی از مفاهیم کلیدی در فرهنگ اسلامی و قرآنی است که در معنای آن این‌گونه آورده‌اند: «اصل زکاه رشد و فزونی است که از برکت دادن خدای متعال حاصل می‌شود و در امور دنیوی و اخروی هر دو در نظر گرفته می‌شود... تزکیه نفس یعنی والایش دادن نفس باخیرات و برکات» (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۱۴۵)

راغب اصفهانی در شرح این مفهوم قرآنی بیان می‌کند که گاهی این تزکیه از ناحیه انسان و به سبب کسب است (قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا - ۹/شمس) و یا گاهی فاعل آن خداوند است (بَلِ اللّٰهُ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ - ۴۹/نساء) و گاهی نیز به واسطه پیامبر (ص) (يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَ يُزَكِّيكُمْ - ۱۵۱/بقره). (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ج ۲: 136-137)

در حقیقت تزکیه نفس یکی از مهم‌ترین راه‌های رسیدن به سعادت و رستگاری است و این مطلب در قرآن نیز به صراحت آمده است به گونه‌ای که می‌بینیم خداوند در سوره شمس پس از ۱۱ بار سوگند یاد کردن به خورشید و ماه و زمین و آسمان و روز و شب و... وعده می‌دهد که تزکیه نفس سبب فلاح و رستگاری است و عدم آن شقاوت را به دنبال دارد. «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا، وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» «که هر کس نفس خود را تزکیه کند، قطعاً رستگار است و هر کس نفس خود را آلوده ساخت [از لطف خدا] محروم گشت.» (الشمس / 10-9)

خداوند در قرآن کریم در کنار تزکیه، تعلیم و تربیت را از اهداف اصلی پیامبران و به تبع آن حکومت اسلامی معرفی می‌کند. تربیت از مصدر باب تفعیل از ماده «ربی، یربو» است که در لغت به معنای رشد یافتن یا رشد دادن متربی، بسته به مبدأ اشتقاق آن است. (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱، ۴۰۵) در اصطلاح تربیت عبارتست از «رشد دادن یک پدیده از راه برطرف کردن موانع و فراهم آوردن زمینه رشد و شکوفایی استعدادها و به فعلیت رساندن قوای نهفته در آن» (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۷۶) تربیت از دیدگاه شهید مطهری عبارتست از «پرورش

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

دادن؛ یعنی استعدادهای درونی را که بالقوه در یک شیء موجود است، به فعلیت درآوردن و پروردن» ( مطهری، ۱۳۶۷: ۵۶)

در قرآن کریم واژه تربیت به کار برده نشده است اما هم خانواده های آن همچون «رب» و «یا» نربک» (۱۸/الشعرا) آمده است که همان معنای تربیت را دارند. راغب اصفهانی در شرح معنای «رب» آورده است: «الرب : در اصل به معنی تربیت و پرورش است یعنی ایجاد کردن حالتی پس از حالتی دیگر در چیزی تا به حد نهایی و تمام و کمال آن برسد.» ( راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۲۹)

به طور کلی خداوند صراحتاً هدف از بعثت انبیاء را تعلیم، تزکیه و در نهایت تربیت انسان ها عنوان می کند و این خود حاکی از آن است که جانشینان پیامبر که همانند وی به برقراری و استقرار حکومت مبادرت می ورزند باید تمام اقدامات و برنامه های حکومت خویش را در جهت تأمین این هدف یعنی تربیت و ساختن انسان کامل و رساندن وی به مقام خلیفه اللهی تنظیم نمایند. در حقیقت پیامبر از سوی خداوند واسطه تزکیه انسان معرفی می شود به گونه ای که در آیات فراوانی خداوند هدف پیامبران را تزکیه و پرورش نفوس ذکر فرموده است که از جمله آنها می توان به موارد زیر اشاره کرد.

«كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» «همان طور که در میان شما ، فرستاده ای از خودتان روانه کردیم ، [ که ] آیات ما را بر شما می خواند ، و شما را پاک می گرداند ، و به شما کتاب و حکمت می آموزد ، و آنچه را نمی دانستید به شما یاد می دهد.» (البقره/۱۵۱) و دقیقاً مشابه همین دلایل در آیه ۶۴ سوره آل عمران تکرار شده استو همچنین در آیات دیگری چون آیه ۲ سوره جمعه: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» «اوست آن کس که در میان بی سوادان فرستاده ای از خودشان برانگیخت ، تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد ، و [ آنان ] قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.»

در این آیه و آیات مشابه به سه هدف از اهداف پیامبران و حکومت دینی اشاره شده است:

۱- تزکیه: به معنای پاک شدن و ایجاد رشد و نمو است. « یعنی مردم را به نموی صالح رشد دادن و اخلاق فاضله و اعمال صالحه را عادتشان کردن» در حقیقت پیامبران برای رشد انسانها درصدد پاک نمودن آنها از زشتی ها برمی آمدند.

۲- تعلیم کتاب: « یعنی بیان الفاظ و تفسیر معانی مشکل و مشبه قرآن»

در کنار واژه تعلیم در این آیه از مفهوم «یتلو علیهم» نیز به عنوان هدف و وظیفه پیامبر یاد شده است. بدین معنا که تعلیم و آگاهی دادن دارای ارتباط مستقیمی هستند است و تعلیم از طریق تلاوت آیات قرآن انجام

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

می‌پذیرد. آگاهی دادن به انسان‌ها در حقیقت از بین بردن جهل است که مقدمه اصلی برای تربیت انسان محسوب می‌شود

۳- تعلیم حکمت: « یعنی معارف حقیقی قرآن را یاد دادن» (طباطبایی، ۱۳۷۱: ۴۴۷)

خداوند هدف فرستادن پیامبران خود را تعلیم کتاب و حکمت به انسان‌ها عنوان می‌کند که در حقیقت با این امر وظیفه تعلیم و تربیت انسان‌ها را برعهده پیامبران می‌گذارد. تربیت و اصلاح مردم، هدف اساسی و وظیفه اصلی تمام پیامبران الهی بوده است، مثلاً پیامبر بزرگ، ابراهیم خلیل آنجا که پایه‌های کعبه را بالا می‌برد از خداوند می‌خواهد برای ذریه و فرزندان او کسی را مبعوث گرداند تا آنها را تربیت نموده و آنها را از آلودگی پاک کند «پروردگارا، در میان آنان، فرستاده‌ای از خودشان برانگیز، تا آیات تو را بر آنان بخواند، و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد و پاکیزه‌شان کند، زیرا که تو خود، شکست‌ناپذیر حکیمی.» (البقره / ۱۲۹)

در واقع زدودن جهالت و نادانی و رساندن مردم به حکمت و دانایی وظیفه‌ای است بنیادی که بستر تحقق مقاصد متعالی دولت اسلامی را فراهم می‌کند. تعلیم و آموزش همگانی در مراحل و مکاتب گوناگون آن حق مردمان است بر گردن زمامداران. ( دلشاد تهرانی، ۱۳۷۷: ۱۵۰) امام علی (ع) در سخنانی این حق مردم بر زمامداران را مورد تأکید قرار می‌دهد: «بر امام است که بر اهل ولایت خویش حدود اسلام و ایمان را تعلیم دهد.» (تمیمی آمدی، ج ۴، ۱۳۶۶: ۳۴۱) و در جایی دیگر می‌فرماید: «ای مردم همانا برای من بر شما حقی است و برای شما بر من حقی، اما حق شما بر من این است که شما را نصیحت نموده و حقوق شما را به شما بپردازم و شما را تعلیم دهم تا تا نادان نمانید و تربیت کنم تا علم و دانش فراگیرید...» (دشتی، ۱۳۸۷: ۶۰)

ایشان در حالی بر لزوم تعلیم و تربیت مردم از سوی حکومت و رهبران تأکید می‌کند که این امر را به طور اولی برای خود رهبران و زمامداران امری ضروری و لازم می‌داند؛ به گونه‌ای که این تعلیم یافتن را حق مردم بر خود به عنوان حاکم اسلامی می‌داند: «هر که خود را پیشوای مردم سازد، باید پیش از تعلیم دیگران به تعلیم خویش بپردازد و باید تربیت کردنش پیش از آنکه با زبانش باشد، با سیرت و رفتارش باشد و آنکه خود را تعلیم دهد و تربیت نماید شایسته تر به تعظیم است از آنکه دیگری را تعلیم دهد و تربیت نماید.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۶ / دشتی، ۱۳۸۷: ۴۵۴)

اسلام برای تربیت و هدایت انسان دستورات و احکامی را ارائه می‌دهد که رعایت و پایبندی به آنان سبب رشد و تعالی و تربیت انسان می‌شود که از جمله مهم‌ترین آنان می‌توان به پایبندی به اخلاق اشاره کرد. پیامبر اکرم (ص) نیز با توجه به تأثیر مکارم و ارزش‌های اخلاقی بر تربیت و تعالی انسان، آن را هدف بعثت خویش معرفی می‌کند: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (طبرسی، ۱۴۱۲: ۸) درواقع ایشان هدف بعثت خود را احیا و رشد اخلاقی انسان‌ها عنوان می‌کند و در جای دیگری می‌فرماید: «بر شما لازم است در فکر تکمیل مکارم

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

اخلاق باشید، زیرا که خداوند مرا به خاطر آن مبعوث کرده است.» (ورام، ج ۲، ۱۴۱۰: ۱۷۵) در واقع اسلام در جامعه انسانی ارزش‌های اخلاقی را احیا می‌کند تا بوسیله آنها اسباب علو شخصیت انسان‌ها را فراهم کند. از مصداق‌های عملی هدف تربیتی پیامبر در حکومت دستورالعمل ایشان به معاذبن جبل است که امام علی آن را بیان نموده است. در ابتدای این دستور آمده است: «ای معاذ! کتاب خداوند را به آنان یاد بده و بر اساس اخلاق پسندیده آنان را به نیکی تربیت نما...» (منتظری، ۱۳۷۹: ۳۹) این حدیث حاکی از آن است که اسلام و پیامبر اکرم مهم‌ترین وظیفه حاکم اسلامی را تربیت مردم بر اساس اخلاق صالح و مشی پسندیده میدانند. بنابراین حکومت در جهان‌بینی اسلام حکومت نقشی تربیتی را برعهده دارد تا با تعلیم، تربیت و تزکیه، استعداد‌های انسانی را شکوفا نموده و پرورش دهد تا بدین وسیله نقش مؤثری در رشد و اعتلای آنها ایفا نماید و زمینه‌های فلاح و رستگاری انسان را فراهم نماید.

### ◀ برقراری قسط و عدل

همانطور که بیان شد در کنار اهداف غایی و اصلی حکومت در اسلام اهداف دیگری نیز هستند که حکومت اسلامی وظیفه تأمین آنها را بر عهده دارد. از جمله این اهداف میتوان به اموری مانند رفاه، آزادی، امنیت، عدالت و... اشاره کرد. از میان این اهداف ما به دو هدف آزادی و عدالت پرداخته و ضرورت تأمین این دو هدف را در آیات قرآن کریم و روایات ائمه معصومین مورد بررسی قرار می‌دهیم.

اهمیت عدالت از آن جهت است که در جامعه ای در آن عدالت اجرا شود برابری حاکم می‌شود و مشکلات اساسی چون ظلم و تعدی، اختلافات و تبعیض در حوزه‌های مختلف جامعه از بین می‌رود. لذا در تعالیم اسلام از عدالت به عنوان بهترین صفات یاد شده و بارزترین ویژگی حکومت اسلامی؛ عادلانه بودن آن است. حکومت در حقیقت با برقراری عدالت در جامعه سعی در فراهم کردن مدینه فاضله ای دارد تا بستری مناسب جهت رشد و تعالی و تربیت انسان‌ها فراهم کند. بنابراین می‌توان گفت فلسفه وجودی عدالت در جامعه، فراهم کردن بستری شدن انسان هاست. آنگونه که میبینیم حضرت فاطمه (ع) عدالت را سبب آرامش دل‌ها میدانند: «خداوند ایمان را برای پاکی از شرک... و عدل و داد را برای آرامش دل‌ها واجب نمود». (ابن بابویه، ۱۳۸۵ق، ج ۱: ۲۴۸)

از مهم‌ترین مباحث موجود در هر جامعه ای تحقق اصل عدالت است. طرح مسئله عدالت در یک جامعه حاکی از حیات سیاسی و عقلانی آن اجتماع است چرا که عدالت نیازی بنیادین برای حیات مادی و معنوی انسان است. بسیاری از اندیشمندان عدالت در جامعه را هم شرط دینداری و هم شرط انسانیت در جامعه می‌دانند چرا که با اجرای عدالت است که مقتضیات رشد در جامعه ایجاد می‌شود. (حکیمی، ۱۳۷۸: ۱۶۸) در قرآن کریم نیز این هدف به عنوان یکی از اهداف بعثت انبیاء مطرح می‌گردد: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ



## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ... «به راستی [ ما ] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند...» (الحديد / ۲۵) همچنین در آیه ۲۹ سوره اعراف آمده است که: «قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ» «بگو پروردگرم به دادگری فرمان داده است» (الاعراف / ۲۹)

پیامبر اکرم پیرامون اهمیت عدالت می فرمایند: « ساعتی عدالت بهتر از هفتاد سال عبادت است که شب‌هایش به نماز و روزهایش به روزه بگذرد.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۶: ۴۰۰) یا در جای دیگری می فرمایند: «عدالت نیکو است اما از دولتمردان نیکوتر» (پاینده، ۱۳۸۲: ۵۷۸) همچنین ایشان می فرمایند: «اولین کسی که به جهنم می رود فرمانروای قدرتمندی است که به عدالت رفتار نمی کند.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۶: ۳۹۳)

امام علی می فرمایند: «هیچ چیز چون عدالت سرزمین‌ها را آباد نسازد» ( التیمی الامدی، ۱۳۶۶: ۲۶۴) و در جای دیگری نیز می فرمایند: «عدالت نظام بخش حکومت است» ( التیمی الامدی، ۱۳۶۶: ۳۳۹) ایشان همچنین فواید وجود عدالت را اینگونه برمی شمارند: «آنچه دیده والیان بدان روشن است، برقراری عدالت در شهرها و دوستی پدیدار میان مردمان است» (دشتی، ۱۳۸۷: ۴۱۳)

وجود عدل و عدالت برای تحقق هدف تربیتی اسلام آنچنان ضرورت دارد که عادل بودن از برترین ویژگی‌های امام و رهبر اسلامی عنوان شده است زیرا تربیت و تزکیه انسان‌ها به عهده امام و رهبر اسلامی است. در واقع رشد انسان جز در سایه حفظ کرامت وی و کرامت وی جز ساه وجود عدالت نخواهد شد. جامعه ای که عدالت در آن وجود دارد مدینه فاضله ای است که شرایط رشد و تعلیم و تربیت برای همگان فراهم است و نبود ظلم و تعدی خود عامل بسار مهمی در رشد شخصیتی انسان است.

### ◀ آزادی

از جمله اهدافی که همه حکومت‌ها چه حکومت‌های انسانی و چه حکومت‌های الهی دنبال می کنند، آزادی است. دین اسلام نیز براساس اصول و تعالیم والای خود آزادی را یکی از اهداف انبیاء عنوان می کند و تعریف خاص خود را ارائه می دهد. اسلام آزادی را رها بودن از هرگونه سلطه انسانی و طاغوت تعریف میکند. اسلام رسالت زندگی انسان‌ها را حرکت به سوی کمال و خداگونه شدن آنان عنوان می کند. مهم ترین ویژگی انسان در این خداگونه شدن، اختیار انسان است. بدین معنا که ارزش والای این حرکت از آن جهت است که انسان آزادانه و آگاهانه خود می شناسد، برمیگزیند، می سازد. یعنی ارزش و اهمیت این حرکت، آزادانه و آگاهانه بودن آن است. بعد دیگر این خداگونه شدن انسان در آراستگی به خصلت‌های کمال و تعالی است که در نتیجه این انتخاب آگاهانه محقق می شود که این نیز جز از طریق تعلیم و تربیت امکان پذیر نیست. (بهشتی، ۱۳۹۰: ۲۷) در آیات قرآن نیز آزادی را پیروی از پیامبران و شرط رستگاری معرفی شده است: «وَوَضَعْنَا لَهُمْ إِصْرَهُمْ وَ

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

«الْأَغْلَالُ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَ عَزَّوْهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»  
از [ دوش ] آنان قید و بندهایی را که بر ایشان بوده است برمی دارد . پس کسانی که به او ایمان آوردند و بزرگش داشتند و یاریش کردند و نوری را که با او نازل شده است پیروی کردند ، آنان همان رستگارانند  
(البقره/ ۱۵۷)

در تفسیر نمونه مراد از این غل و زنجیر ها اینگونه آمده است:

« زنجیرهای اسارت، همان جهل و نادانی و بت پرستی و خرافات و تعصبات و زندگی طبقاتی و غیره بود یعنی همان استعمار و استثمار توده ها» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۰۰) شهید مطهری در این باره می نویسد: « بارهای سنگینی از عادات و خرافات و غل و زنجیرهای روحی که بر نیروها و استعداد های معنوی بشر گذاشته شده بود همان ها که نتیجه اش جمود، افسردگی، یأس و بدبختی بود. رهبری یعنی مجهز کردن نیروها، تحریک نیروها، آزاد کرد نیروها و در عین حال کنترل نیروها و در مجرای صحیح انداختن آنها، سامان دادن، سازمان بخشیدن و حرارت بخشیدن به آنها» (مطهری، ۱۳۶۷: ۳۲۳)

در حقیقت آزادی از آن جهت یک تکلیف و وظیفه برای حکومت محسوب می شود که یکی از اصلی ترین بنیان های تربیت و تعلیم انسان ها بشمار می رود؛ زیرا تعلیم و تربیت هدف حکومت است برای رساندن انسان ها به سوی کمال و تعالی و این حرکت به سوی خداوند زمانی ارزشمند و صحیح است که بر مبنای انتخاب آگاهانه و آزادانه فرد استوار باشد.

در نتیجه دیدگاه انبیاء و بخصوص پیامبر بزرگ اسلام این است که وظیفه حکومت علاوه بر تأمین مصالح و نیازمندی های مادی، تأمین مصالح معنوی نیز هست و حتی تأمین مصالح معنوی، اهم و ارجح و مقدم بر تأمین مصالح مادی است. زیرا تأمین این امور کمال و عادت انسانی محقق می نماید. سایر مسائل و ابعاد مادی و دنیوی انسان در صورتی ارزش دارند که مقدمه این رشد انسانی و تکامل معنوی باشند. علامه طباطبایی پیرامون اهداف اسلام می نویسد: « به تحقق شناختی که دین اساس شرایع خود را جسم قرار نداده بلکه جسم و روح هر دو را منظور داشته است... اسلام در تشریحش تنها کمالات مادی را در نظر نگرفته بلکه حقیقت وجود بشر را نیز منظور داشته است و اصولاً اساس شرایع خود را بر کمال و رشد روحی و جسمی هردو را خواسته است.» (طباطبایی، ۱۳۷۱: ۴۴۷)

بنابراین به طور کلی می توان هدف هایی که حکومت اسلامی دنبال می کند را به دو دسته تقسیم کرد: اول انسان ها را برای «خلیفه الله» شدن راهنمایی کند و مقدمات سیر و سلوک آنان را فراهم نماید . دوم اینکه کشور اسلامی را مدینه فاضله سازد و زمینه های تمدن حقیقی را مهیا نماید و اصول حاکم بر روابط داخلی و

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام وی وی کم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

خارجی را تبیین کند. اما در میان این دو هدف خلیفه الهی انسان اصل و مدینه فاضله ساختن فرع است، زیرا مدینه فاضله با تربیت انسان ها رسیدن به خلیفه الهی را تقویت می کند.

حکومت مطلوب امام خمینی(ره)

امام خمینی(ره) به عنوان فقیه اسلامی و اندیشمند سیاسی چارچوب و مبنای اندیشه و جهان بینی خود را بر اساس اصول اساسی اسلام بنا نهاده و حکومت مطلوب خویش را حکومت اسلامی می داند که رسالت تحقق اهداف عالی اسلام را به عهده دارد. لذا ایشان برترین هدف متأثر از اسلام برترین هدف حکومت را ساختن انسان هایی متعالی و کمال یافته می داند و این هدف نقطه محوری اندیشه سیاسی وی و سامان دهنده شکل و ساختار حکومت مطلوب امام خمینی قرار می گیرد.

### فلسفه وجودی حکومت

برای بررسی اندیشه سیاسی هر اندیشمندی باید ابتدا جهان بینی و انسان شناسی او را مورد بررسی قرار داد زیرا جهان بینی هر فرد محور و سامان بخش اندیشه های هر فرد در عرصه های گوناگون است. امام خمینی(س) به عنوان یک اندیشمند مسلمان و بنیان گذار نظام جمهوری اسلامی ایران دارای جهان بینی و انسان شناسی مبتنی بر اصول اساسی مکتب اسلام و توحید است.(جمشیدی، ۱۳۸۴: ۱۴۹) در جهان بینی ایشان جهان شامل دو دنیای ملک و ملکوت است که عالم ملک دنیا و فانی است و عالم ملکوت آخرت و باقی است. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۳۶۷/۵-۳۶۹) در قالب جهان بینی اسلامی ایشان، انسان دارای خصایص فطری مانند عقلانی بودن، کمال طلبی و تربیت پذیری می داند.

به طور کلی او انسان را دارای فطرتی الهی، کمال جو و عدالت طلب می داند که می تواند به بالاترین مقام و مرتبه در سعادت و کمال برسد. اما در عین حال عنوان می کند که اگر انسان دچار انحراف شود می تواند در زمره پست ترین موجودات قرار بگیرد.(امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۷: ۵۳۲) بنابراین از نظر امام خمینی انسان موجودی تربیت پذیر است و شکوفایی صفات عالی ای که در فطرتش وجود دارد نیاز او را به تعلیم و تربیت و هدایت به سوی راه درست مبرهن می سازد. بر همین مبنا امام خمینی(س) فلسفه بعثت پیامبران را تربیت و هدایت انسان می داند: «آمدن انبیا برای این است که آن راههایی که بشر نمی داند، آن حقایقی را که انسان نمی داند، به آنها تعلیم بفرماید. انبیا برای راهنمایی یک مقام بالاتر، یک مقام انسانی بالاتر، آمده اند. قرآن کتاب آدم سازی است؛ برای آدم ساختن آمده است» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۷: ۵۳۲) و نیز می فرماید: «انبیا اصلش آمده اند برای تزکیه نفوس انسانی؛ تعلیم و تربیت کتاب و حکمت و مهار کردن این طبیعت.» (امام خمینی، ۱۳۷۸،

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

امام خمینی (س) بر مبنای این جهان بینی، سعادت و رشد انسان ها را هدف غایی دانسته و تعلیم و تربیت را مهم ترین ضرورت کمال انسان عنوان می‌کند. در سطحی بالاتر یعنی در سطح جامعه نیز امر تعلیم و تربیت از اهمیت بنیادی برخوردار است که امام آن را بر عهده عالیترین نهاد اجتماعی یعنی حکومت و سیاست می‌نهد. در حقیقت او حکومت و سیاست را بر مبنای اهداف متعالی انسان و اسلام بنیان می‌نهد؛ در نتیجه از نظر ایشان وجود حکومت برای هدایت انسان و تربیت وی امری ضروری و لازم به شمار می‌رود و فلسفه وجودی حکومت نیز تحقق رشد و تعالی انسان در سایه تعلیم و تربیت اعلام می‌گردد بر همین مبنا فلسفه وجودی حکومت از منظر امام حرکت دادن انسان ها در مسیر هدایت و کمال و سعادت می باشد. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۵/۳۸۹)

امام خمینی (س) نیز معتقد است که ماهیت و کیفیت قوانین اسلام نشان می‌دهد هدف از این احکام و قوانین تکوین دولت و اداره سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه است. وی همچنین تنوع قوانین اسلام و شمولیت آنها که همه مراحل زندگی انسان را دربر می‌گیرد حاکی از هدف والای انسان سازی و تربیتی این قوانین دارد. امام خمینی (س) برای هدایت انسان ها به سوی کمال با اشاره به وجود قانون اسلام بیان می‌دارد که وجود صرف قانون برای اصلاح و سعادت جامعه کافی نیست و نیاز به افراد، موسسات و به طور کلی مجریانی دارد تا بتوانند با اجرای قوانین انسان ها را به سوی کمال و سعادت سوق دهند؛ در واقع قوه مجریه است که قوانین و احکام دادگاهها را اجرا می‌کند و ثمره قوانین و احکام عادلانه دادگاهها را عاید مردم می‌سازد. (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۲۶-۲۹)

از منظر او اسلام تمام ابزارها و امکانات را در خدمت یک هدف قرار می‌دهد؛ تربیت انسان بافضیلت و کامل و لذا همه شرایط را فراهم می‌کند تا انسان ها با بهره گیری از امکانات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به درجه کمال ارتقا یابند. «معلوم است که اسلام تا چه حد به حکومت و روابط سیاسی و اقتصادی جامعه اهتمام می‌ورزد تا همه شرایط را به خدمت تربیت انسان مهذب و با فضیلت درآید. قرآن مجید و سنت شامل همه دستورات و احکامی است که بشر برای سعادت و کمال خود احتیاج دارد.» (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۲۹)

اما ایشان این تربیت از سوی حکومت را از راه درست و صحیح می‌پذیرد و بیان می‌دارند که اسلام در کنار مقررات اجتماعی، اقتصادی و غیره به تربیت انسان بر اساس ایمان به خدا تکیه می‌کند و در هدایت جامعه از این بُعد بیشتر برای هدایت انسان به طرف تعالی و سعادت عمل می‌کند. (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵: ۴۰۷) این بیان امام خمینی (س) همچنین حاکی از آن است مانند اندیشمندان غربی معتقد به حکومت سرکوبگر و کنترل کننده انسان نیست بلکه او در صدد برپایی حکومت اسلامی است که اصل را هدایت و پرورش و رشد انسان ها قرار میدهد بدین معنا که حکومت نهاد پلیسی و کنترل کننده نیست بلکه نهادی هدایتگر، رشد دهنده و

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

سازنده است که بر اساس تعالیم گرانمایه اسلام عمل می کند و چون احکام اسلامی را در این جهت می داند بر ضرورت حکومت به عنوان مجری احکام نیز تأکید می کند.

در واقع نظم سیاسی مطلوب در منظومه فکری امام، نشان از یک جامعه همبسته ای دارد که بر اساس ایمان دینی و اخلاق و معنویت استوار است. این نظام همواره ارزشهای خود را در درون شریعت جستجو می کند؛ بنابراین نقطه عزیمت اندیشه دولت اخلاقی در اندیشه او رسالتی است که پیامبران در هدایت و کمال انسانی و رستگاری نوع بشر از مسیر تربیت انسان ها بر عهده داشتند که امام این تربیت و تعالی انسان ها را با عباراتی چون خروج از ظلمت به سوی نور بیان می دارد که هدف بعثت پیامبران و نزول کتب الهی و به تبع آن حکومت اسلامی است.

البته این نکته قابل ذکر است که ایشان مطابق با شریعت اسلام اهداف دیگری چون رستگاری انسان ها، آزادی، عدالت، رفاه و... را برای حکومت قائل است و تأمین آن را از اصلی ترین وظایف حکومت برمی شمارد اما همانطور که براساس آیات و روایات بیان شد این اهداف مقطعی بوده و در جهت نیل به هدف اصلی حکومت اسلامی یعنی تربیت و رشد انسان ها، قرار دارد.

### ◀ جمهوری اسلامی؛ مطلوبترین شکل حکومت

امام خمینی(ره) برای تحقق عینی حکومت اخلاقی مطلوب خود، اشکال مختلف در جهان امروز را مورد بررسی قرار داده و معایب همه اشکال گوناگون را بیان می نماید و به نقد آنها می پردازد. از جمله این حکومت ها که از سوی ایشان مطرود بودند می توان به حکومت استبدادی، حکومت های اومانیستی و دموکراتیک غربی، جمهوری های غربی و... اشاره کرد.

امام با توجه به فلسفه و هدفی که برای حکومت مطرح می کنند حکومت های استبدادی که بر محوریت حاکم و در جهت تأمین امیال و هوس های شخص حاکم اداره می شود را رد می کند؛ بویژه به این دلیل که در این نوع حکومت ها انسان ها تحت سلطه و بندگی حاکم قرار می گیرند و هیچ گونه رشد و تعالی برای انسان ها مطرح نیست.

امام خمینی(س) در مقابل این حکومت ها به ویژگی مهم محدود بودن اختیارات در حکومت اسلامی در هر زمان حتی در زمان پیامبر و ائمه اشاره می کند و حکومت اسلامی را مشروط و محدود به قوانین اسلام و حدودی که خداوند تعیین کرده، می نماید تا انسان ها طبق احکام اسلامی تربیت شوند. او همچنین حکومت مشروطه سلطنتی و جمهوری را که در دنیای غرب از جمله حکومت های مطلوب به شمار می رود، نامطلوب معرفی می کند و دلیل این امر را اینگونه بیان می فرماید:

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

« نمایندگان مردم، یا شاه در اینگونه رژیم ها به قانون گذاری می پردازند در صورتی که قدرت مقننه و اختیار تشریح در اسلام به خداوند متعال اختصاص یافته است.» (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۴۴)

در حقیقت طرد این نوع حکومت ها از سوی امام، طرد امانیسم و محور قرار گرفتن عقل محدود انسانی در تربیت انسانی است. ایشان معتقدند که انسان به دلیل محدودیت های معرفتی و شناختی که دارد قادر نیست بهترین قوانین و تدابیر را تنظیم و اتخاذ کند؛ لذا قوانین بر طبق اهداف و امیال محدود انسانی تنظیم می شود و رشد و تعالی انسان ها به سوی هدف غایی انسان که قرب الهی و خداگونه شدن است امکان تحقق نمی یابد. در مقابل خداوند به عنوان خالق انسان ها و با شناخت کامل از انسان ها، کامل ترین و بهترین قوانین را برای انسان تشریح کرده که سعادت نهایی انسان را تأمین می نماید. لذا حکومت هایی که بر پایه قوانین الهی اداره می شوند به دلیل کمال و جامعیت این قوانین که خود در جهت انسان سازی تنظیم شده اند، قادرند انسان ها را رشد داده و به تربیت و تعالی بخش آنان نائل آیند.

باتوجه به مطالب بیان شده ویژگی های حکومت مطلوب از دیدگاه امام خمینی (س) عبارتند از:

- ۱- حاکمیت قانون اسلام
- ۲- الهی و معنوی بودن
- ۳- مردمی بودن
- ۴- عدم استبداد
- ۵- فضیلت گرایی و سعادت گرایی
- ۶- تطابق با سنت پیامبر و ائمه
- ۷- آزادی بخشی و... (جمشیدی، ۱۳۸۴: ۱۴۱)

در مجموع می توان گفت که طرح همه این ویژگی های حکومت در جهت تحقق یک هدف هستند و آن انسان سازی است. در واقع حکومت اسلامی که هدفش تربیت انسان ها است باید حکومتی عادل و معقول باشد تا بتواند با گسترش فضائل اخلاقی و تعالیم اسلام انسان ها را رشد و تعالی بخشد و هدایتگر انسان به سوی سعادت و کمال نهایی باشد. امام خمینی (ره) برای تحقق این نوع حکومت تلاش ها و مبارزات فراوانی کرد و در نهایت نمونه ای از حکومت مطلوب خویش را در قالب جمهوری اسلامی و بر مبنای ولایت فقیه تحقق بخشید.

### ◀ ولایت فقیه؛ محور اصلی جمهوری اسلامی

امام خمینی (ره) برای تحقق هرچه بهتر حکومت مطلوب مورد نظر خود در جامعه ولایت و زعامت سیاسی جامعه اسلامی را به فقیه یعنی دانشمند دینی عادل می سپارد تا با علمی که به قوانین الهی دارد و بر مبنای عدالت نفسانی و تقوای خویش با بهره گیری و اجرای این قوانین تربیت انسان ها را به نحو مطلوب محقق سازد.

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام وی وی کم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

در حقیقت از آنجایی که وی به دنبال انسان سازی براساس تعالیم اسلام است پس فردی را به عنوان حاکم حکومت مورد نظر خود معرفی می کند که بیشترین علم به قوانین انسان ساز اسلام دارد و خود نیز به این قوانین عملاً پایبند می باشد. شاید مهم ترین دلیل اهمیت ولایت در قاموس شیعه نقش مهذب ساز و انسان ساز آن باشد. لذا در نگرش شیعه ولایت مهم ترین رکن دین است. به گونه ای که امام محمد باقر(ع) از آن به عنوان اساسی ترین پایه و رکن دین یاد می کند - بُنَى الْإِسْلَامَ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ وَ لَمْ يُنَادِ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ. ( کلینی، ۴۰۷: ج ۲ / ۱۸) (اسلام بر پنج پایه و اساس استوار است: نماز، زکات، حج، روزه، ولایت و آن اندازه ای که به ولایت سفارش شده است نسبت به هیچ کدام سفارش نگر دیده است).

همانطور که بیان شد در اسلام تعلیم، تربیت و تزکیه انسان ها به عنوان هدف بعثت انبیاء عنوان شده است و لذا این وظیفه خطیر قبل از هرکسی بر عهده پیامبر و ائمه معصومین(ع) که خود در بالاترین جایگاه به لحاظ تهذیب نفس و کمال انسانی قرار دارند نهاده شده است. لذا پذیرش ولایت آنها در راستای این هدف مهم و در جهت تربیت عالی انسان ها است. این معصومین به دلیل عصمت و بهره مندی از وحی و دارا بودن ولایت معنوی به عنوان بهترین مربیان و تربیت کنندگان انسان ها معرفی شده اند. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۲/۴۲۴-۴۲۵) آری امامان معصوم بهترین والیان انسان ها و در نتیجه بهترین مربیان و سازندگان انسان ها و جوامع بوده اند و حکومت و ولایت آنها نیز برترین الگوی حکومت و انسان سازی است. امام خمینی(س) ضمن پذیرش این امر معتقد است که ولایت اعتباری نیز وظیفه اجرای قوانین شرع و اداره جامعه در جهت تربیت انسان ها است. لذا به اعتبار وظیفه بودن و نه مقام و شأن بودن، به غیر معصوم نیز تعلق می گیرد. امام خمینی در شرح این نوع ولایت می گوید:

«ولایت مورد بحث [اعتباری] یعنی حکومت و اجرا و اداره، برخلاف تصویری که خیلی از افراد دارند، امتیاز نیست بلکه وظیفه ای خطیر است... ولایت یعنی حکومت و اداره کشور و اجرای قوانین شرع مقدس، بلکه یک وظیفه سنگین و مهم است، نه اینکه برای کسی شأن و مقام غیر عادی بوجود بیاورد و او را از حد انسان عادی بالاتر ببرد.» (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۵۱)

این ولایتی که امام خمینی(س) برای فقیهان عنوان می کند در حقیقت برای تحقق اهداف و غایات حکومت در عصر غیبت با توجه به مقتضیات زمانی در چارچوب شناخت صحیح از تعالیم اسلام و رعایت شوون مردم است. در واقع ولایت فقیهان که امام خمینی(س) مطرح می نماید در طول ولایت برتر و والاتر یعنی ولایت الله، پیامبر و ائمه قرار می گیرد و باید مبتنی بر تعالیم قرآن و اسلام باشد تا بتواند به نقش انسان سازی خود نائل آید. در حقیقت این نوع ولایت، زعامت سیاسی جامعه مسلمین در غیبت امام زمان(ع) است هم برای

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

جلوگیری از تباهی و فساد انسان هاو هم برای ساختن و تربیت و پرورش آنها. بنابراین بنا به نظر امام خمینی(س) در زمان غیبت امام معصوم(س) احکام اسلام که برای انسان سازی آمده اند بوسیله فقها در جامعه پیاده می‌شوند و فقها در اصل با این امر مسئول پرورش استعداد های انسان و رشد و تربیت آنها هستند. فقها موظفند با تعلیم و تزکیه و تربیت انسان ها در جوامع با تعالی بخشی شخصیت انسان ها آنان را به سوی کمال و سعادت هدایت کنند و تشکیل حکومت در همین راستا مهم ترین نقش را در جامعه ایفا می کند. امام خمینی (ره) به دلیل مسئولیت خطیری که بر عهده ولی فقیه قرارداده است ویژگی های لازم برای وی را بیان می‌دارد تا امکان انتخاب شایسته ترین و بهترین فرد را فراهم نماید. در حقیقت او به دنبال این است که انسان سازی و تربیت و تعالی انسان را به صالح ترین فرد ممکن بسپارد. از این رو دو ویژگی مهم علم و عدالت را مطرح می کند تا تربیت انسان ها بر مبنای آگاهی و احکام دقیق اسلام و به طور صحیح محقق شود. او خود می فرماید:

«...یعنی آن اوصافی که در ولی است، در فقیه است که به آن اوصاف خدا او را ولی امر قرار داده است و اسلام او را ولی امر قرار داده است با آن اوصاف نمی‌شود که یک پایش را کنار یک قدر غلط بگذارد. اگر یک کلمه دروغ بگوید، یک کلمه، یک قدم بر خلاف بگذارد آن ولایت را دیگر ندارد... اما فقیه مستبد نمی‌شود. فقیهی که این اوصاف را دارد عادل است..عدالتی که یک کلمه دروغ او را از عدالت می‌اندازد، یک نگاه به نامحرم او را از عدالت می‌اندازد.» ( امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۱/ ۴۶۴)

بنابراین امام عدالت را شرط ولایت دانسته زیرا بی‌عدالتی حاکم سبب گسترش فساد در جامعه و به قهقهر رفتن جامعه مسلمین می‌شود. لزوم عادل بودن ولی فقیه از آن جهت است که وی دارای نقش مهم تربیتی و پرورشی در جامعه است و هدایت و تربیت انسان ها منوط به عملکرد وی در جامعه است. عدالت ولی فقیه سبب کاهش اشتباهات و لغزش های وی شده و این تضمینی برای تحقق بهتر و کامل تر هدف تربیتی حکومت اسلامی می‌شود.

امام خمینی(س) در کنار عدالت شرط علم را برای ولی فقیه عنوان می کند تا جامعه مسلمین در مسیر تربیت و تعالی خویش از خطر جهل و عواقب آن مصون بماند. در اندیشه امام خمینی(س) کسی واجد ولایت است که قانوندان باشد؛ قانوندان به این معنا که تمامی احکام و تعالیم اسلام را به کامل ترین شکل ممکن بداند: «...چون حکومت اسلام حکومت قانون است برای زمامدار علم به قوانین لازم می‌باشد. چنانکه در روایت آمده است نه فقط برای زمامدار بلکه برای همه افراد، هر شغل و وظیفه و مقامی که داشته باشند، چنین علمی ضرورت دارد. منتها حاکم باید افضلیت اعلی داشته باشد.» ( امام خمینی، ۱۳۸۹: ۴۸)



## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

همچنین امام هر چند تدبیر و کفایت را از مقوله علم می داند اما بر آن نیز تاکید دارد. تدبیر و کفایت اشاره به توان مدیریتی و اداره کلان ولی امر دارد و ویژگی های چون شناخت مصالح عمومی، زیرکی و تشخیص صحیح امور، عقل و شعور سیاسی بالا و .. را دربر می گیرد. (جمشیدی، ۱۳۸۴: ۵۶۹) و برخورداری حکومت از آن نقش مهمی در تحقق نقش تربیتی حکومت در جامعه دارد.

### اختیارات ولی فقیه

در خصوص اختیارات حکومتی ولی فقیه نیز می توان گفت امام خمینی(س) فقها را در زمان غیبت امام معصوم(ع) نایب عام دانسته و زعامت سیاسی و اداره حکومت مسلمین را به عهده آنها می سپارد زیرا همان وظیفه تربیتی و اعتلا بخشی انسان ها را نیز به عنوان هدف ولی فقیه و حکومت دارند. لذا برای تحقق این هدف مهم و تربیت انسان هایی کامل اختیارات حکومتی ولی فقیه را همان اختیارات حکومتی پیامبر و ائمه اعلام می کند:

«این توهّم که اختیارات حکومتی رسول اکرم(ص) بیش از حضرت امیر(ع) بود یا اختیارات حکومت حضرت امیر(ع) بیش از فقیه است، باطل و غلط است... همان اختیارات و ولایتی که حضرت رسول(ص) و دیگر ائمه در تدارک بسیج سپاه، تعیین ولات و استانداران، گرفتن مالیات و صرف آن در مصالح مسلمانان داشتند، خداوند همان اختیارات را برای حکومت فعلی قرار داده است، منتهی شخص معینی نیست، روی عنوان عالم عادل است.» ( امام خمینی، ۱۳۸۹: ۵۱-۵۰)

در واقع می توان گفت امام خمینی(س) یکسان بودن هدف و نقش و کارکرد حکومت را سبب یکسان بودن اختیارات رهبران دوگانه بالا در حوزه اختیارات خاص حکومتی می داند و در این راستا حکم حکومتی ولی فقیه را جزو احکام اولیه می داند:

« ولایت فقیه و حکم حکومتی از احکام اولیه است.» ( امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۲۰ / ۴۵۷)

### وظایف ولی فقیه

امام خمینی در تبیین وظایف ولی فقیه و رهبر حکومت در جامعه نیز اصل را همان مساله مهم انسان سازی و تربیت و ساختن انسان ها و شهروندان قرار می دهد و وظایف رهبر را در همین راستا تبیین می کند. به طور کلی وظایفی که وی در راستای ساختن و تربیت انسانها برای رهبر حکومت اسلامی برمی شمارد عبارتند از:

- ۱- تعلیم و تربیت و هدایت انسان ها
- ۲- حفظ کیان اسلام و نظام سیاسی اسلام
- ۳- استقرار عدالت در جامعه
- ۴- اجرای قوانین اسلام در جامعه

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

۵- تأمین امنیت عمومی و رفاه نسبی در جامعه

۶- تأمین مصالح عمومی

۷- توسعه و پیشرفت جامعه

۸- حفظ تمامیت ارضی و استقلال جامعه اسلامی

این وظایف همه و همه در راستای یک هدف و آن هم ساختن و تربیت کردن انسانهاست برای تأمین سعادت اخروی آنها. لذا درحالی که وظایف مختلفی را برای ولی فقیه مطرح می‌کند بیان میدارد که لزوم برپایی حکومت و همه امور و اقدامات آن در راستای انسان سازی و تربیت، رشد و اعتلای انسان است. او به صراحت می‌گوید:

« این اشتباه است که ما می‌گفتیم که، یا می‌گوییم که، رژیم نباشد بس است دیگر؛ استقلال باشد بس است؛ آزادی باشد بس است. نخیر، مسأله این نیست. ما همه اینها را فدای انسان می‌کنیم. ما انسان می‌خواهیم. همه فدای انسان. انسان وقتی درست بشود، همه چیز درست می‌شود.» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۸ / ۶۶) بنابراین حکومت مورد نظر امام خمینی(س) حکومتی انسان ساز و تربیت کننده انسان است؛ بدین معنا که انسان اصل و غایت هر چیزی به شمار می‌رود و برپایی حکومت و استقرار و ثبات آن در این جهت است.

### ◀ نهادهای تربیتی در جمهوری اسلامی

آنچه در بالا بیان شد نشانگر اهمیت والای امر تعلیم و تربیت در چارچوب اندیشه ای امام خمینی بود و دیدیم که امام این رسالت را بر عهده حکومت می‌نهد و براساس آن شکل و وظایف حکومت را تعیین می‌کند. ایشان در سطحی خردتر یعنی در سطح جامعه برای برخی موسسات و نهادهای رسالت تربیتی را تعریف می‌کند و با این کار در حقیقت این نهادها ابزار تحقق عینی هدف تربیتی حکومت به شمار می‌روند از جمله مهم ترین نهاد های تربیتی از منظر امام میتوان به نهادهای آموزشی و پرورشی مانند مدارس و دانشگاه ها، حوزه های علمیه و از جمله نهادهای غیر رسمی میتوان رسانه های گروهی از جمله تلویزیون، سینما و تئاتر، مطبوعات و... اشاره کرد. البته امام خمینی(ره) برای برخی اقشار و گروه های جامعه مانند روشنفکران و روحانیون نیز رسالت عظیم تربیتی قائل بود.

. بررسی هریک از این نهاد ها و نقش تربیتی آنها نیازمند پژوهشی جداگانه است لذا در این نوشتار به دلیل گسترش روزافزون تحصیلات عالیه و همچنین سلطه فرهنگی رسانه ها در عصر امروزه، دو نهاد بسیار موثر دانشگاه ها و رسانه های گروهی به اجمال مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

### ◀ دانشگاه و دانشگاهیان

امام خمینی (ره) دانشگاه را از مهم ترین نهادها در تربیت و اصلاح افراد جامعه می دانست به گونه ای که صراحتاً اعلام می دارد: « دانشگاه یک کشوری اگر اصلاح بشود، آن کشور اصلاح می شود.» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۴۲۹/۱۵)

امام نقش و جایگاه این نهاد تربیتی در آینده انسان ها و کشور را همواره مورد تأکید قرار میداد و استقلال و آزادی آینده کشور را منوط به تربیت صحیح جوانان می دانست لذا پیرامون نقش تربیتی معلمان و اساتید بیان می کنند: « نقش معلمان و اساتید در تربیت و تهذیب دانش آموزان و دانشجویان به عنوان اساسی ترین و مؤثرترین نقش مطرح می گردد.» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۲۴۴/۱۵) این اهمیتی که امام خمینی به دانشگاه ها و نقش تربیتی آن می دهند از آن جهت است که دانشگاه ها در حساسترین سن افراد، شاکله فکری و اندیشه ای افراد را تشکیل می دهند و این تحصیل کرده های کشور هستند که اداره جامعه و تربیت نسل های بعدی را بر عهده دارند.

این اهمیت در اندیشه امام تا حدی است که امام خمینی بیان می کنند که نه از حصر اقتصادی و نه از حمله نظامی دشمنان نمی ترسد بلکه از وابستگی فرهنگی و از دانشگاه استعماری است که هراس دارد. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۲۵۲/۱۲)

ایشان بعد از بیان اهمیت دانشگاه ها و مشکلاتی که دانشگاه های وابسته و غرب گرا برای جامعه و افراد به بار می آورند راه حل را در رجوع به اسلام و گسترش تربیت بر مبنای فرهنگ اسلامی در جوامع می دانند و اعلام می کنند که بعد از انقلاب « دانشگاه ها باید تغییر بنیانی کند و از نو ساخته بشود که جوانان ما را تربیت کنند به تربیت های اسلامی. اگر تحصیل علم می کنند در کنار آن تربیت اسلامی باشد.» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۲۵۰/۱۲)

### ◀ رسانه های گروهی

در عصر حاضر به دلیل پیشرفت های تکنولوژیکی بسیار عظیم بشریت، انواع رسانه های گروهی در جهان وجود دارد و این رسانه ها در کوچکترین زوایای زندگی انسان ها رسوخ کرده اند. رسانه های گروهی به دلیل گستردگی و تأثیرگذاری فراوان نقش تعیین کننده ای در هدایت افکار عمومی و شکل دهنده سبک زندگی افراد دارند لذا ما شاهد سلطه رسانه ها بر زندگی افراد هستیم. زیرا این رسانه ها هستند که ارزش های یک جامعه، فرهنگ یک جامعه و سبک زندگی افراد یک جامعه را به دلخواه صاحبان رسانه تغییر می دهند.

از جمله مهم ترین و گسترده ترین رسانه گروهی می توان به تلویزیون، مطبوعات، سینما، تئاتر و در سال های اخیر به اینترنت و نرم افزارهای اجتماعی اشاره کرد. امام خمینی (ره) پتانسیل بالای نقش آفرینی این رسانه

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

های گروهی را مورد توجه قرار داده و متناسب با هدف غایی اسلام برای آنها رسالت تربیتی تعریف می‌کند. از نظر ایشان این رسانه های گروهی به دلیل ویژگی های خاصی که دارند باید همانند یک دانشگاه عمل کنند که تمام مردم را تربیت نماید و اسباب رشد و اعتلای انسان ها را فراهم نماید.

امام در راستای بیان این هدف و تعیین نقشه راه برای رسانه گروهی کشور به طور کلی عنوان می‌کند که: «رسانه های گروهی، به ویژه صدا و سیما، این مراکز آموزش و پرورش عمومی می‌توانند خدمت های گرانمایه ای را به فرهنگ اسلام و ایران نمایند. بنگاه هایی که شب و روز ملت در سراسر کشور با آنها تماس سمعی و بصری دارند، چه مطبوعات در مقالات و نوشتارهای خودو چه صدا و سیما در برنامه ها و نمایشنامه ها و انعکاس هنرها و انتخاب فیلم ها و هنرهای آموزنده باید همت گمارند و از گردانندگان و هنرمندان متعهد بخواهند تا در راه تربیت و تهذیب جامعه وضعیت تمام قشرها را در نظر گرفته و راه و روش زندگی شرافتمندانه و آزادمنشانه را با هنرها و نمایشنامه ها به ملت بیاموزند.» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۵۹/۱۹)

لذا بعد از پیروزی انقلاب امام ضرورت اصلاح این رسانه های گروهی اعم از رادیو، تلویزیون، مطبوعات، سینما و پاک نمودن آنها از مظاهر طاغوت را اعلام می‌نماید. (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۷۴/۶)

در حقیقت امام خمینی این رسانه ها را دارای ظرفیت رشد دهنگی افراد جامعه می‌داند و بیان میکند «آنکه از همه خدمتها بالاتر است این است که نیروی انسانی ما را رشد بدهد و این به عهده مطبوعات است؛ مجله‌هاست؛ رادیو تلویزیون است؛ سینماهاست؛ تئاترهاست. اینها می‌توانند نیروی انسانی ما را تقویت کنند، و تربیت صحیح بکنند و خدمتشان ارزشمند باشد.» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۸/۴۹۸)

اهمیت امام خمینی (ره) به این رسانه های گروهی به دلیل ویژگی های مهم این رسانه ها از جمله در فراگیری و گستردگی، دسترس بودن، ارزان بودن، سمعی و بصری بودن، است که نشان از تأثیر گذاری بی بدیل این ابزار است. در میان رسانه های گروهی نیز امام بیشترین اهمیت را به رادیو و تلویزیون می‌دهد زیرا ویژگی های برشمرده شده برای رسانه بیش از هر چیز در تلویزیون نمود پیدا می‌کند. زیرا به بیان ایشان مطبوعات هرچه تیراژش هم زیاد باشد به اندازه یک مملکت نیست و همچنین بهرهمندی از تلویزیون نیاز به سواد و تحصیلات ندارد لذا وسعت و تأثیر گذاری به اندازه تمام افراد ملت دارد. از این رو امام بیان می‌کند که رادیو و تلویزیون می‌تواند یک مملکت را اصلاح کند و یا به فساد بکشد. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۵۴/۹)

این ظرفیت رادیو و تلویزیون سبب می‌گردد تا امام خمینی این دو را دانشگاه عمومی بنامد:

«رادیو و تلویزیون یک دستگاهی است که هم در طرف تبلیغات فاسد اهمیت زیاد دارد و هم در طرف تبلیغات صحیح. این با آن طوری که از اول شاید آنهايي که درست کردند اینها را نظر آموزشی داشتند به اینها، [به] این دستگاهها. تمام مطبوعات [هم] این طور است منتها اهمیت تلویزیون بیشتر از همه است، اهمیت رادیو-

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

تلویزیون بیشتر از همه است. این دستگاهها دستگاههای تربیتی است؛ باید تمام اقشار ملت با این دستگاهها تربیت بشوند؛ یک دانشگاه عمومی است. دانشگاهها دانشگاههای موضعی است، این یک دانشگاه عمومی است یعنی دانشگاهی است که در تمام سطح کشور گسترده است. « ( امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۳۹۸/۶)

بعد از رادیو و تلویزیون امام بیشترین اهمیت در میان رسانه های گروهی را به مطبوعات می دهد زیرا مطبوعات نیز ارزان هستند و در دسترس و به طور روزانه در اختیار مردم جامعه قرار می گیرند لذا امام خمینی مطبوعات را یک ابزار تربیتی قلمداد کرده که باید در خدمت رشد و تربیت انسان ها قرار بگیرد. اهمیت این رسانه در بیان امام خمینی کاملاً آشکار می گردد: « نقش نشریات در هر کشوری از همه چیز بالاتر است. روزنامه ها و مجلات می توانند یک کشوری را رشد بدهند و هدایت بدهند به راهی که صلاح کشور است و می توانند به عکس عمل بکنند.» ( امام خمینی ۱۳۷۸: ج ۱۴، ۳۸۳)

این ظرفیت و پتانسیل تربیتی مطبوعات تا حدی است که امام مطبوعات را مانند معلمین جامعه دانسته که وظیفه تربیت جوانان را بر عهده دارد. و این امر سبب تحقق آرمان های ملت است. (امام خمینی ۱۳۷۸: ج ۷، ۳۲۳)

ایشان در جای دیگری در بیان نقش تربیتی مطبوعات بیان می کنند: «مطبوعات باید یک مدرسه سیار باشند تا مردم را از همه مسائل بخصوص مسائل روز آگاه نمایند...به طور کلی مطبوعات باید یک بنگاه هدایت باشند یعنی به صورتی که اگر دست مردم بیفتد مردم هدایت شوند» (امام خمینی ۱۳۷۸: ج ۱۸، ۶۱)

امام خمینی (ره) به طور جزئی تر در حوزه مطبوعات به مجلات هم اشاره دارد و بیان می کند که مجلات باید در دمت کشور باشند و این خدمت به کشور را در تربیت جوانانی درست، برومند و متفکر بازتعریف می نماید (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۴۹۷/۸)

این رسالت تربیتی مطبوعات در اندیشه و جهان بینی امام خمینی بر مبنای اسلام و در چارچوب اسلام تعریف می گردد به گونه ای که ایشان در عین اعتقاد راسخ به آزادی مطبوعات دو حد و خط قرمز برای این آزادی قرار می دهد؛ اسلام و قوانین کشور که ان نیز بر مبنای قوانین اسلام پایه ریزی گشته است.

اهمیت و نقش تربیتی که امام برای رسانه های گروهی قائل است در سخنان و بیانات ایشان به تفصیل بیان شده است اما به طور کلی می توان گفت که در اندیشه و راهبرد کلان امام رسانه های گروهی یکی از برترین ابزار کارآمد تحقق نقش تربیتی حکومت به شمار می روند.

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

### نتیجه گیری:

دین مبین اسلام به عنوان دینی جامع همه ابعاد فردی و اجتماعی انسان ها را مورد توجه قرار داده و سعادت و کمال انسانی را منوط به رشد در تمام ابعاد دانسته است. دین اسلام برای تحقق این رشد و کمال تمام اسباب را فراهم نموده اما کارآمدترین راه را تربیت و اعتلای شخصیتی افراد می داند لذا این امر خطیر را برعهده عالیتترین نهاد اجتماع انسانی یعنی حکومت قرار داده است. در حقیقت اسلام حکومت را به عنوان هدفی مقطعی برای رسیدن به اعتلای شخصیتی افراد ضروری می داند و تمام اهداف رفاهی و مادی افراد را زمینه دستیابی به این رشد و سعادت عنوان می کند. لذا در اسلام، تربیت انسان ها مهم ترین رسالت و هدف حکومت شمرده می شود.

امام خمینی نیز به عنوان اندیشمند و فقیه اسلامی هدف از حکومت و بعثت انبیاء را انسان سازی عنوان کرد و به دنبال تحقق عینی حکومت اصیل اسلامی در راستای تربیت انسان های کمال یافته بود. بنابراین اندیشه سیاسی و حکومت مطلوب خود را براساس همین اصل بنیان نهاده و تمام اجزای حکومت مطلوب خود را در راستای تأمین این هدف ساماندهی می نماید. در نظریه حکومتی امام شکل جمهوری حکومت، رهبری ولایت فقیه و تمامی نهادهای اجرایی و نظارتی همه در راستای تحقق اصول اسلامی برای تربیت انسان های کامل است. در این راستا امام در سطح جامعه نیز نهادهایی آموزشی همچون مدارس و دانشگاه ها، حوزه های علمیه، و همچنین رسانه های گروهی چون تلویزیون، رادیو، سینما، تئاتر، مطبوعات را به عنوان ابزار تحقق هدف تربیتی حکومت مطرح می نماید و رسالت این نهادها را تربیت افراد جامعه اعلام می دارد که باتوجه به شرایط زمانه و اهمیت سلطه فرهنگی در جهان امروز رسانه های گروهی از اهمیت و جایگاه والایی برخوردارند و نقش بسیار موثری را در این حوزه ایفا می نمایند. در واقع از طریق این رسانه ها در جهان امروز می توان هدف تربیتی حکومت اسلامی را نه تنها در جوامع اسلامی بلکه در تمامی جهان محقق کرد.

### منابع

- ابن منظور، محمدبن مكرم(۱۴۰۵ق)، **لسان العرب**، قم، اديب الحوزه.  
بهشتی، احمد (۱۳۶۰)، **تربیت از دیدگاه اسلام**، قم، دفتر نشر پیام.  
پاینده، ابو القاسم(۱۳۸۲)، **نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)**،  
جلد ۱ چاپ چهارم، تهران، دنیای دانش.  
تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد(۱۳۶۶ش)، **تصنیف غرر الحکم و درر الکلم**، قم، چاپ: اول، دفتر تبلیغات ایران .

## پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام وی وی کم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۴)، اندیشه سیاسی امام خمینی (س)، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی: معاونت پژوهشی.

خمینی، روح الله (۱۳۷۸)، صحیفه امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام (س)، ۲۲ جلد.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۹)، ولایت فقیه، چاپ بیست و دوم، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).

دشتی، محمد (۱۳۸۷)، نهج البلاغه، موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت، تهران

دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۷)، دولت آفتاب، تهران، خانه اندیشه جوان.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۰۴ ق) المفردات فی غریب القرآن، تهران، دفتر نشر کتاب.

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۱)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، موسسه اسماعیلیان، چاپ پنجم، ج ۱۹

طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲ ق / ۱۳۷۰ ش)، مکارم الأخلاق، ۱ جلد، الشریف الرضی - قم، چاپ: چهارم.

قرآن کریم

قرشی، علی اکبر (۱۳۵۲)، قاموس قرآن، ج ۷، ص ۱۴۵، دارالکتب الاسلامیه

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ ق)، الکافی (ط - الإسلامیه)، ج ۷، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب

الإسلامیه

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ ق)، بحار الأنوارالجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط -

بیروت)، ۱۱۱ جلد، دار إحياء چاپ دوم، بیروت، التراث العربی.

مطهری، مرتضی (۱۳۶۷)، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، انتشارات الزهرا.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، اصفهان، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت.

منتظری، حسینعلی (۱۳۷۹)، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه و تقریر محمود صلواتی، تهران، نشر

سرایبی.

موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) (۱۳۸۴)، حکومت اسلامی و ولایت فقیه در اندیشه امام خمینی،

تبیان: دفتر چهل و پنجم، تهران

ورام بن ابی فراس مالکی اشتر (۱۴۱۰)، نبیه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعه ورام)، بنیاد پژوهشهای اسلامی

آستان قدس رضوی، ج ۲